

تأثیر اندیشه‌های شیعی - صوفی بر معماری شهری کاشان (از دوره ایلخانی تا آغاز صفویه)مطهره حاجی زاده^۱، عبدالرفیع رحیمی^۲*

۱۳۹۸/۰۲/۱۴

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۸/۱۱/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله :

چکیده

کاشان از دیرباز به‌عنوان پناهگاه علویان و یکی از اولین شهرهای شیعه‌نشین ایران مطرح است. این شهر که سابقه تاریخی آن به هفت هزار سال پیش در تپه‌های سیلک می‌رسد، پس از گشودن دروازه‌های خود به روی سپاه اسلام در سال ۲۴ ه.ق اسلام را پذیرفت و طولی نکشید تا نشانه‌های مذهب تشیع در آن ظاهر شود. در این میان بزرگانی از صوفیه که نقش پررنگی در گسترش تعلیم ابن عربی و سهروردی داشتند، در کاشان ظهور کردند. کاشان توانست به‌خوبی این آزادی مذاهب را در خود جای دهد تا زمینه بروز بزرگان صوفیه و شیعه در کنار هم فراهم شود و پیشرو در رشد اندیشه‌های شیعی-صوفی باشند که حیدر آملی بعدها آن را شرح و گسترش داد. این پژوهش پس از بررسی این اندیشه‌ها در کاشان، تأثیر آن را در حکام محلی و مردم نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای شهری و معماری خود را بنا بر تعلیم شیعی-صوفی بنا کرده‌اند و نشانه‌های خاصی در شهر ایجاد کردند که بعدها در مکتب اصفهان بروز یافته است. این نشانه‌ها همچون قرارگیری مساجد و خانقاه‌ها در کنار هم و ایجاد مجموعه‌ای واحد برای دو مذهب تشیع و تصوف در عین ساختار مجزا، از اصل وحدت وجود ابن عربی سرچشمه می‌گیرد و بزرگ‌ترین شارح آن عبدالرزاق کاشانی بوده که مریدان زیادی در کاشان داشته است. هرچند خانقاه عبدالرزاق کاشانی و معاصران او در کاشان از بین رفته‌اند، اما قریب به اتفاق خانقاه‌های قرون هفت تا ده کاشان، در کنار مساجد و مدارس بزرگ بنا شده‌اند. خانقاه مسجد عمادی در کنار مسجد عمادی یکی از این نمونه‌ها است. به نظر می‌رسد این مجموعه‌سازی یعنی قرارگیری مدرسه، مرکز عبادی شیعه و صوفی و مجموعه‌های خدماتی و بازار در کنار هم که بعدها توانست در مکتب اصفهان به‌خوبی نمایان شود، از اندیشه‌های شیعی-صوفی عالمانی چون عبدالرزاق کاشانی و از کاشان سرچشمه گرفته باشد.

کلمات کلیدی: کاشان، شیعی-صوفی، معماری شهری، ساختار شهرسازی، اندیشه‌ها

^۱ کارشناس ارشد ایران شناسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران، gandom6383@gmail.com

^۲ * استادیار تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول) rahimi@hum.ikiu.ac.ir

مقدمه

قرن‌ها بعد خمیرمایه بروز مکتب عرفانی اصفهان شد و شکوه و عظمت اصفهان صفوی مدیون آن است. حمله مغولان به ایران و ویرانی‌هایی که به بار آورد، باعث شد شهرها در دوره ایلخانی مرمت و بازسازی شود و در این مرمت تغییراتی نیز رخ داد. این تغییرات برگرفته از اندیشه‌ها و باورهای ایلخان، حاکمان محلی و مردم بود که نمودی از جهان‌بینی خود را در شهرهای نوساز یا مرمت‌شده نمایان کردند. حوزه جغرافیایی این تحقیق به کاشان شهر شیعه نشین اختصاص دارد. نویسندگان از تعصب دینی مردم کاشان و مقایسه آن با شهرهای اطراف به تفصیل سخن می‌گویند. این تعصبات مذهبی بدون شک تأثیرات زیادی در ساختار شهری و معماری داشته و بناهایی مرتبط با نگاه این اندیشه‌ها مانند: ساخت خانقاه، مسجد، تکیه، رباط و مهمانسراها در محلات پراکنده بوده و به چشم می‌خورد.

پرسش تحقیق

اندیشه‌های شیعی - صوفی چه تأثیراتی بر معماری شهری کاشان از دوره ایلخانی تا آغاز صفوی گذاشته است؟

فرضیه تحقیق

اندیشه‌های شیعی - صوفی در زمانی به عرصه ظهور رسیدند که فرهنگ ایرانی در حال گسترش دادن نفوذ خود بر حاکمان و سلاطین بود. این فرهنگ که درصد احیای هویت ایرانی بود، شاخصه‌های خاص خود را در شهرسازی خاصه در معماری و ساخت مساجد و خانقاه نشان می‌داد. در این میان کاشان نیز از چندین مجموعه بنای مذهبی برخوردار شد که نقطه ثقل شهر در دوران ایلخانی محسوب می‌شد.

پیشینه پژوهش

چندوجهی بودن موضوع این پژوهش نویسندگان را وادار می‌کند تا از منابع مختلفی بهره جویند. بخشی از این منابع مربوط به تاریخ کاشان و شهرسازی این شهر بوده و بخشی مربوط به تاریخ دوران ایلخانی تا صفوی و تحولات مذهبی در این دوره که با توجه به منابع تاریخی و شرح حال بزرگان می‌توان به آن دست‌یافت.

موقعیت اقلیمی کاشان، به‌رغم قرار گرفتن این شهر کهن بر سر راه ری و اصفهان و خراسان، فرصتی را برای حکومت‌ها فراهم نیاورده است که به‌جز غارت شهر و گذر پرشتاب از آن، بیندیشند. از تاریخ پرمز و راز تپه‌های هفت‌هزارساله سیلک تا دارالمؤمنین کاشان، هیچ‌گاه این منطقه مرکز ثقل حکومت قرار نگرفت و شهرهای اطراف آنرا را بر کاشان تحمیل کردند. اما در میان همین انزوا، عرفا و علمایی پرورش یافتند که اندیشه‌هایشان تا قرن‌ها ماندگار و تأثیرگذار بوده است. کاشان یکی از اولین شهرهای شیعه‌نشین ایران در قرون اولیه اسلامی بوده است. در کاشان شمار زیادی امامزاده منسوب به فرزندان امام کاظم - علیه‌السلام - وجود دارد که گرچه بی‌واسطگی آن‌ها با امام محل تردید تواند بود، اما بی‌شبهه، نباید نسب آن‌ها با امام فاصله چندانی داشته باشد. همچنین وجود خانقاه‌های متعدد وابسته به اهل سنت در کاشان، نشان از وجود گرایش‌های عرفانی مختلف در این شهر است. خانقاه‌هایی که در حال حاضر تخریب‌شده‌اند اما در منابع تاریخی بسیار از آن یاد شده است. وجود این مراکز نشان می‌دهد که کاشان قرن‌ها گرایش‌های عرفانی و صوفیانه را تجربه کرده است. ویژگی‌ای که در شهرهای دیگر مانند قم که سابقه تشیع دارند، وجود نداشته است. این ویژگی باعث شد تا کاشان در دوره ایلخانی و تیموری یکی از پر جنب‌وجوش‌ترین مراکز عرفانی ایران باشد و عارفان تأثیرگذاری در این منطقه مجال بروز و ظهور پیدا کرده‌اند. مشهورترین عارفان و حکمای دوران عبارت‌اند از: عبدالرزاق کاشانی، عزالدین محمود کاشانی، عبدالصمد نطنزی، زین‌الدین کامویی، بابا افضل کاشی و نصیرالدین کاشی. حضور اندیشمندانی که گرایش به صوفیه و همچنین اصول شیعه داشتند، باعث شد در قرون هشتم و نهم هجری فلسفه‌ای مبتنی بر اندیشه‌های وحدت وجود ابن عربی به وجود آید که نه متعلق به شیعه و نه صوفی است، بلکه متعلق به اندیشه‌های شیعی - صوفی است. اندیشه‌هایی که



شهرسازی کاشان تا دوره سلجوقی، موضوع پژوهشگرانی چون ثریا بیرشک بوده است. بیرشک در مقاله «چگونگی روند توسعه و تکامل شکل‌گیری شهر کاشان در بستر تاریخ، از آغاز تا آخر دوره سلجوقیان» روند شهرسازی کاشان را از ابتدای تاریخ شکل‌گیری این شهر تا دوره سلجوقیان بررسی می‌کند. این پژوهش که در کنگره معماری و شهرسازی سال ۱۳۷۶ ارائه شده، نقشه‌هایی از شهر کاشان در دوره‌های مختلف به قلم نویسنده ترسیم کرده‌اند که تحولات شهری را به‌خوبی منعکس می‌کند.

یکی دیگر از پژوهش‌های جامع در این رابطه را حسن حضرتی انجام داده است که به بیان نظریه گفتمان شیعی - صوفی می‌پردازد. حسن حضرتی و منیره ناصح ستوده (۱۳۸۹) در مقاله «تبیین نهضت‌های شیعی - صوفی در ایران (قرن‌های هفتم تا دهم ه.ق)» که برگرفته از پایان‌نامه‌ای به همین نام از دانشگاه باقرالعلوم است، به چگونگی ظهور این نهضت و رشد و تکامل آن می‌پردازند. این پژوهش متکی بر نظریه گفتمان لاا و موفه با تحلیل محتوای جامع الاسرار و منبع الانوار سید حیدر املی درصدد فهم چرایی مبنای نظری نهضت یادشده است و جنبش‌های سرداران، مرعشیان و مشعشعیان به‌عنوان نمونه در پژوهش بررسی شده‌اند.

پرداختن به تاریخ شهرسازی و معماری شهری کاشان در قرون میانی اسلامی در منابع و پژوهش‌های اندکی دیده می‌شود و تقریباً هیچ‌کدام از منابع به رابطه و تأثیر اندیشه‌های حاکم بر معماری شهری کاشان اشاره نداشته‌اند. بلکه باید از میان کتب مختلف و تحلیل این اندیشه‌ها و ساختار شهری به مطابقت آن‌ها پردازیم. این نکته بیانگر نوآوری موضوع تحقیق است تا تحقیقات پیشین را تکمیل کند.

بیان روش و مراحل انجام پژوهش

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌ها با ابزار کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

اندیشه‌های شیعی - صوفی

هجوم مغولان به ایران بر حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این سرزمین تأثیرات بسیاری داشت. از جمله نکات ویژه و قابل توجه در این حیطة زمانی شکل‌گیری و رخداد قیام‌هایی است که به‌عنوان عکس‌العمل سیاسی -

مذهبی در شرایط پیش‌آمده، صورت پذیرفت که رویکردی شیعی - صوفی داشت.

سقوط خلافت عباسی به دست مغولان (۶۵۶ ه.ق) نقطه پایانی بود بر تسلط رسمی اهل تسنن بر بخش اعظم جهان اسلام و قدرت یابی تدریجی مکتب شیعه (الشیعی، ۱۳۵۸: ۸۶-۷۵). با این اوصاف، اسلام آوردن غازان خان و توجه او به شیعیان و علویان بر نفوذ شیعه افزود؛ اما چراغ اقبال شیعه در دوره ایلخانی در عهد پادشاهی سلطان محمد خدابنده روشن شد. زیرا وی به تشیع مشرف و درگاه او محل تردد عالمان شیعی گشت و بزرگان شیعه توانستند از این رهگذر به تبیین عقاید و مفاهیم شیعی بپردازند. چنان‌که علامه حلی به دربار سلطان محمد رفت و دو کتاب خود را به نام این پادشاه و در نشر معارف تشیع نوشت (صابری، ۱۳۹۵: ۲۰۴).

در پایان کار ایلخانان که خوانین محلی مغول هرکدام در نقطه‌ای از ایران حکومت مستقل برپا کردند و ایران به چند بخش جدا از هم تقسیم شد، زمینه حرکت‌ها و قیام‌های انقلابی فراهم آمد. قیام‌هایی که در سراسر دوره تیموریان نیز ادامه یافت. اگر ماهیت این قیام‌ها را تحلیل کنیم، وجه بارز آن، جریان‌های صوفیانه و شیعی است. از طرفی ظهور چهره سترگ عرفان اسلامی محی‌الدین ابن عربی و طرح اندیشه‌های طوفانی وی در باب وحدت وجود، وحدت جوهری ادیان و ولایت (انسان کامل)، غوغایی در کانون‌های صوفیانه انداخت و پس از تبیین این اندیشه‌ها در ایران و آسیای صغیر، هیچ‌کدام از نحله‌های عرفانی نتوانستند خود را از این تأثیرات برکنار کنند و حتی برخی مانند علماء‌الدوله سمنانی گرچه با ایده، وحدت وجود به‌سختی مخالف بودند؛ اما در مفاهیمی مانند ولایت، کم‌وبیش بر همان راه ابن عربی می‌رفتند (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۱۷۵).

اندیشه ولایت و مهدویت که وجه مشترک صوفیان و شیعیان بود توانست تا حد زیادی شکاف بین شیعه و صوفی را پر کند و تصوف که خاستگاه اصلی آن اهل سنت و جماعت بود و مجال بروز و ظهور در بین شیعیان را نداشت در این دوران با آموزه‌های انقلابی شیعه پیوند خورده بود (زرین کوب، ۱۳۴۹: ۷۵-۶۲).

گرچه ابراز محبت و علاقه به خاندان عترت به‌ویژه امام علی (ع) از دیرباز تقریباً در بین تمام مشایخ صوفیه،





امری معمول و متعارف بود و اکثریت قریب به اتفاق سلسله‌های صوفیه، نسبت خرقة مشایخ خود را به امام علی (ع) می‌رساندند و او را به‌عنوان امام الاولیا و قطب الاقطاب می‌شناختند، ولی با اندیشه‌های کلامی شیعه موافقتی نداشتند (زرین‌کوب، ۱۳۶۲: ۲۲۳-۲۲۶). اما در این دوره صوفیانی چون علاءالدوله سمنانی، سعدالدین حمویه و عزیزالدین نسفی از طریقه کبرویه و صدرالدین قونوی، عبدالرزاق کاشانی - معلمان مکتب ابن عربی - به‌ویژه در بحث ولایت و مهدویت مواضع شیعی داشتند (زرین‌کوب، ۱۳۶۲: ۱۲۲). در واقع در کلام شیعی، جریان صوفیانه مبتنی بر تعالیم ابن عربی پدید آمد به کسانی چون ابن میثم بحرانی، رجب محمد برسی، سید حیدر آملی، صائن‌الدین بن ترکه و ابن ابی جمهور احسانی از جمله نمایندگان این جریان هستند (صابری، ۱۳۹۵: ۲۰۵).

طبیعی است با در نظر گرفتن سیاست پیشین صوفیان مبنی بر انزوای طلبی و پرهیز از مداخله در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی و نیز خودداری شیعیان از مبارزات علنی، به دلیل خفقان حاکم بر جامعه مذهبی ایران طی قرون گذشته و همچنین با دقت بر شکاف عقیدتی نسبتاً عمیق میان دو طیف شیعی و صوفی از مسلمین تا پیش از قرن هفتم، چگونگی شکل‌گیری قیام‌های شیعی صوفی طی قرون هفتم تا دهم هجری و فرارگیری دو گروه شیعیان و صوفیان در عمق مبارزه علنی علیه حکام وقت، به‌عنوان ابهامی جدی در حوزه پژوهشی بیان شده قلمداد می‌گردد.

ظهور چهره‌های برجسته شیعی - صوفی

با شکل‌گیری و رسوخ چنین اندیشه‌هایی در میان بزرگان صوفی بود که در میان علمای شیعی که تاکنون با متعلق دانستن تصوف به دستگاه عباسی موضعی همراه با احساس استقلال، بیگانگی و تعصب در قبالشان پیش می‌گرفتند چهره‌هایی بروز و ظهور یافت که ملامت‌ها از تسامح و صلح منشی بودند، چهره‌هایی چون علامه حسن بن یوسف مطهر حلی.

البته انتقال مرکزیت شیعه به حله پس از فتح بغداد و حضور موج تازه‌ای از فقیهان و متکلمان در حوزه‌های شیعی در شکل‌گیری این روحیه آزادمنشانه بی‌تأثیر نبود.

(یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۳۲۸). حله که پیش‌ازین به سال ۴۹۵ ه.ق و به دستور صدقه بن منصور به‌عنوان پایتخت دولت شیعی بنا گردیده بود، در اوایل قرن هفتم از چنان آزادی فکری - عقیدتی برخوردار گشت که به‌عنوان یکی از مراکز منجی‌گرایانه، مراسم ویژه ظهور مهدی (عج) را برگزار می‌نمود.

در امان ماندن این شهر از کشتار مغول و در نتیجه بهبود اوضاع اقتصادی آن نیز عاملی مهم در رشد فرهنگی و ارتقاء جایگاه علمی آن نسبت به دیگر مناطق مفتوحه به شمار رفته، محافل و مجالس علمی آن را از چنان رونقی برخوردار ساخته بود که خواجه نصیرالدین را نیز به حضور در آن تشویق می‌نمود (شیبی، ۱۳۵۸: ۱۰۴). برجسته شدن خاندان طاووس و درخشش شخصیت‌هایی چون؛ رضی‌الدین علی بن طاووس (متوفی ۶۷۲) را می‌توان مصداقی از تجلی چهره‌های علوی - صوفی در این زمان و مکان دانست (موسوی موحد، بی‌تا: ۳۹۴). از دید همگان عابد و زاهدی مستجاب‌الدعوه و در سلک وابستگان تصرف به شمار آمده به همراه خواجه نصیرالدین دو صوفی قابل‌قبول معرفی شده‌اند (شیرازی، ۱۳۶۸: ۱۲۲). عبدالکریم بن احمد نیز از دیگر اعضای بزرگوار خاندان طاووس است که بی‌نیاز شدنش از استاد و توانایی‌اش در نوشتن به سن چهارسالگی و موفقیتش به حفظ قرآن در یازده سالگی وجه تشابهی با امامان شیعه و اولیاء بزرگ صوفی دانسته شده است (هدایت، بی‌تا: ۲۷).

حاصل کلام آنکه حرکتی که به‌واسطه خواجه نصیرالدین و میثم بحرانی آغاز و با فعالیت‌های کسانی چون خاندان طاووس، علامه حلی و... تداوم یافته، سرانجام توسط حیدر آملی در قالب گفتگمانی منسجم ارائه گشت در اواخر قرن نهم و دهم هجری در دوره تیمور به ثمر نشست، خیزش‌های اجماعی وسیعی را به دنبال آورد. در این زمان فرقه‌ها و شخصیت‌هایی پا به عرصه ظهور نهادند که گرچه گاه با طبیعتی نوگرایانه به عرضه افکاری بی‌سابقه و بدعت‌آمیز و به‌نوعی غالی‌گری شیعیانه پرداخت، ارائه اندیشه‌ای شگرف و متفاوت از هم‌مسلمانان را وجه امتیازی می‌پنداشتند باین‌حال همه ذیل یک گفتمان واحد و با تلاش به حفظ اصالت فلسفی

خویش در خط سیر تکامل اندیشه قرن گام نهند. فلسفه‌ای مبتنی بر اندیشه‌های وحدت وجود و نظریات فیض و صدور و اشراق که حال که متعلق به شیعه و نه صوفی بلکه متعلق به اندیشمندان شیعی - صوفی بود (ناصر ستوده، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

۱. تاریخ شهرسازی کاشان

کاشان در ابتدا مجموعه‌ای از قلعه‌ها بود و اطراف هر قلعه با زمین‌های زراعی محصور می‌شد. تمام این محدوده قلاع و مزارع هر محله شهر را تشکیل می‌داد. پس از اسلام با اتصال محلات مختلف به هم به تدریج ساختار شهری ایجاد شد (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۱۰).

کاشان قرون اول و دوم هجری

به گفته دینوری در اخبار الطوال، کاشان به همراه اصفهان، قم، قومن، طبرستان و دامغان در سال ۲۱ هجری زیر فرمان یزدگرد سوم بوده و هر یک سپاهی فراهم آوردند تا در نهاوند به جنگ سپاه اعراب بایستند. (دینوری، ۱۳۴۶: ۱۴۱) (برای تصویر شروع حرکت اولین هسته برای توسعه به تصویر شماره یک مراجعه شود) نام کاشان درجایی دیگر نیز تکرار می‌شود و آن قتل عمر در سال ۲۳ ه.ق به دست فیروز معروف به ابولولو است، که گفته می‌شود از اهالی کاشان بوده و در مدینه غلام مغیره بن شعبه بود (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۳: ۱۹۸).

کاشان قرن سوم و چهارم هجری

کاشان در قرن چهارم هجری بخشی از غرب و جنوب غربی کاشان امروزی را تشکیل می‌داده، نخستین محله که در کاشان شکل گرفته، محله میدان کهنه در اطراف مسجد جامع بوده است. سپس با گسترش شهر به سوی شرق و تشکیل محله پنجه شاه، به تدریج قلعه کلهر، که محله یهودیان بوده است در شهر ادغام می‌شود.

مسالک ممالک که در سال ۳۴۰ هجری قمری تألیف گردیده است در باب ذکر دیار کوهستان با ذکر عراق عجم می‌گوید: «... و کوهستان را شهرهایی هست مشهور چون همدان و دینور و سپاهان و قم و شهرهای کوچک چون قاشان و نهاوند و کرج و...» (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۶۷) (برای تصویر کاشان در دوره آل بویه به تصویر شماره ۲ مراجعه شود)

شهر اولیه دوران آل بویه دارای سه دروازه بوده است. دروازه قم (همزمان شهر قم نیز دارای دروازه‌ای به نام

دروازه کاشان بوده) دروازه یزد اصفهان و دروازه درب باغ، که راه فین از سوی این دروازه بوده است. باغات و زمین‌های مزروعی از پشت این دروازه تا کوهپایه تداوم داشته است.

هسته شهر اولیه، بافت داخل یکی از قلاع بوده که پس از حذف حصار و بار و در مرز و محدوده آن مسجد جامع و میدان قرار گرفته و نوار بازار شهر از آنجا و در حد جنوبی آن شروع و رشد و حرکت داشته است و این بخش شهر تنها قسمتی است که بافت آن متراکم است. (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۱۰)

مسجد جامع شهر کاشان با توجه به تاریخ روی منار آن، مربوط به سال ۴۶۶ هجری است ولی این به معنای نبودن بنایی در محل جامع قبل از سال‌های قرن پنجم هجری نیست. موقعیت مکانی مسجد جامع در محله میدان کهنه و راه ورودی شهر از طرف دروازه قم، شکل شارستان اولیه را نشان می‌دهد. سطح مسجد جامع از سطح گذر محله هم بالاتر بوده و در حال حاضر نیز حدود دوازده پله است. این تفاوت سطح احتمال وجود بنایی مقدس در زیر مسجد، پیش از ورود اسلام را نشان می‌دهد که در تحولات شهر اسلامی تغییر یافته است. مانند بسیاری از مساجد جامع شهرهای تاریخی که بر روی معابد و آتشکده‌ها ساخته شدند. به علت عدم عملیات کاوش در زیربنای مسجد جامع کاشان، این فرضیه اثبات یا رد نمی‌شود. (برای مشاهده تصویر نقشه کاشان در اواخر آل بویه به تصویر شماره ۳ مراجعه شود)

کاشان قرن پنجم و ششم هجری

در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری، استخوان‌بندی شهر شکل اصلی خود را می‌گیرد. دروازه‌ها از شمال و جنوب و شرق و غرب از چهار جاده ارتباطی اصلی، کاشان را به شهرهای قم، اصفهان، کویر (راه کاروان روی اصلی)، منطقه فین و سایر آبادی‌ها در ارتفاعات و غرب کشور مرتبط می‌سازد. چهار دروازه اصلی شهر در این دوره دروازه‌های قم، درب زنجیر (جاده اصفهان، یزد)، دروازه فین (در تداوم درب باغ به طرف غرب) و دروازه سوق (در محل فعلی چهارسوق میان چال در بازار کاشان) است. دروازه‌های شهر همه دارای تأسیسات رفاهی و تجهیزات شهری از قبیل:





مسجد، آب‌انبار، حمام، کاروانسرا، گذر، بازارچه، میدان و قبرستان بوده‌اند. (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۱۱)

توسعه شهر به سوی شرق بوده تا محله میدان کهنه که می‌توان آن را شارستان اولیه کاشان دانست، به همراه مکان مقدس (مسجد) به عقب رانده شده و محله پنجه شاه در کنار زیارت پنجه شاه، به شهر افزوده می‌شوند. بازار اولیه شهر نیز در ضلع جنوبی میدان کهنه، موسوم به بازار پانخل، متعلق به قرن دوم هجری است. حدود شهر اولیه در میدان کهنه و پانخل، به خاطر نزدیکی به شاهراه تجاری خراسان - بغداد به سمت دروازه قم و مسیر ری، در شرق کشیده می‌شود. دو دروازه «درب زنجیر» و «چهارسوق میان چال» در همین راستا ایجاد می‌شوند. در کنار «درب زنجیر» محل بارانداز کالا و توقف کاروان‌ها ساخته می‌شود که به «پای قبان» معروف است و امروز تنها نام آن بر محله باقی مانده. در این مرحله شهر از سوی غرب و جنوب غربی چندان توسعه‌ای نداشته و از طرفی وجود باغات و زمین‌های کشاورزی و اهمیت آن برای چنین شهرهایی خود کنترل توسعه به شمار می‌رفته است. (بیرشک، ۱۳۷۶: ۳۸۴) برای مشاهده توسعه و شکل‌گیری کاشان تا پایان قرن چهارم هجری به تصویر شماره ۴ مراجعه شود)

(برای مشاهده موقعیت کاشان دوره سلجوقیان روی خیابان کشی امروز، به تصویر ششم شماره ۵ مراجعه شود)
(برای مشاهده شهر کاشان دوره سلجوقیان قرون پنجم و ششم هجری به تصویر شماره ۶ مراجعه شود)

کاشان قرن هفتم و هشتم هجری

تاخت و تاز سپاه مغول با آهنگ تاراج به ری، ساوه، قم و کاشان که ابن اثیر در گزارش رویدادهای سال ۶۲۱ هجری به آن‌ها اشاره می‌کند، عملاً این منطقه را به صورت ویرانه درآورده بود (اشپولر، ۱۳۵۱: ۳۴). به نظر می‌رسد یکی از نخستین رویارویی‌های مردم کاشان با سپاه مغول در سال ۶۲۳ هجری بوده که طبقات ناصری روایت می‌کند که جرماغون سردار مغول در پیرامون قم و کاشان اردو زد و مردمی از این منطقه را به «طرف فارس و کرمان بدوانید». (سراج جوزجانی، ۱۳۶۳: ۱۵۸) اقبال آشتیانی در تاریخ ایران پس از اسلام ذکر می‌کند روز بیست و دوم رمضان ۶۲۵ جناح راست سپاه

سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه، در یک رویارویی سخت با لشکریان مغول، باینکه با خیانت برادرش مواجه شد، آنان را ناگزیر از عقب‌نشینی به کاشان کرد. ظاهراً مغول‌ها ناخرسند از شکست خود، هرچه را بر سر راه دیده‌اند، از سر خشم و کینه ربوده‌اند. اما مغول که صدمات بسیار دیده و دچار تلفات شده بودند، بعد از سه روز با عجله به ری و خراسان برگشتند و باحالی پریشان از جیحون گذشته، به اردوگاه اول خود رجعت نمودند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۳: ۳۹۸).

به گزارش شبانکاره‌ای در مجمع‌الانساب «لشکر مغول، اصفهان و قم و کاشان و آن حدود، همه را غارت کردند.» (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۱۴۵)

در روزگار مغول هم گزارش‌هایی که از کاشان داریم، پراکنده‌اند و معمولاً در میان خبرها به نام کاشان برمی‌خوریم. گاه حکم فرمانروایی اصفهان و قم و کاشان به چشم می‌خورد از جمله شمس‌الدین جوینی و علی بن بهاء‌الدین شمس‌الدین جوینی که مدتی حاکم کاشان بودند و از فرهیختگان روزگار به حساب می‌آمدند. (برای مشاهده توسعه کاشان از قرن هفتم تا دوازدهم هجری به تصویر شماره ۷ مراجعه شود)

به نظر می‌رسد در دوره ایلخانان، کاشان به تدریج بازسازی شده و شهرتی کسب کرده است. تا حدی که در ذیل جامع‌التواریخ رشیدی می‌خوانیم به فرمان غازان خان «چند عدد دارالسیاده در شهرهای بزرگ چون کاشان، اصفهان و سیواس روم بنا نهادند و املاک بسیار بر آن وقف کردند.» (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۴۹) انتخاب کاشان برای ساخت یکی از سه دارالسیاده غازی نشانی از اهمیت کاشان از لحاظ دینی و فرهنگی در دوره غازان خان دارد. این دارالسیاده در نزدیکی دروازه لتحر، در جنوب کاشان واقع شده بود که راوندی در تاریخ اجتماعی کاشان محل آن را کوی «درب سه» می‌خواند. هرچند از دارالسیاده غازی چیزی باقی نمانده است؛ اما با وقف نامه‌هایی که مانده می‌توان دریافت دارالسیاده کاشان مجتمع بزرگی شامل مدرسه، مسجد، محل پرستاری بیماران، پذیرایی و آسایشگاه مسافران و مجاوران و یتیمان بوده که سه دانگ از روستای بیدگل و مختص آباد و هراسکان وقف آن بوده است (افشار، ۱۳۶۸: ۱۲۳).

وقف نامه جامع الخیرات خانقاه دیگری را در کاشان وصف می‌کند که نشان دیگری از اهمیت کاشان در دربار ایلخانی است. خانقاه و رباط سید رکن‌الدین یزدی، وزیر سلطان ابوسعید که در سال ۷۳۲ ه. ق درگذشت. این خانقاه و رباط در بیرون بازار کاشان، در بازار مسگرها نزدیکی مسجد عمادی واقع است که تا اواخر سده حاضر ویرانه آن برج مانده بود. هم‌اکنون تنها کوچه‌ای به همین نام در محل سابق این رباط وجود دارد. (نراقی، ۱۳۶۵: ۹۱) یکی از اولین شهرهایی که از لوای حکومت مغولان درآمد و به دست حکومتی ایرانی افتاد، کاشان بود که پس از یزد با شورش مبارزالدین آل مظفر، به دست او افتاد. در تاریخ یزد نوشته قرن نهم هجری می‌خوانیم: «مبارزالدین محمد بن شرف‌الدین مظفر، نخستین امیر آل مظفر از ۷۱۸ تا ۷۵۹ در شیراز، یزد، کرمان، اصفهان، شوشتر، کوه‌کیلویه، خرم‌آباد، قم، کاشان، ساوه، قزوین، سلطانیه و تبریز فرمان راند.» (جعفری، ۱۳۴۳: ۵۳). نکته قابل توجه در زمان آل مظفر نقش مهم تجاری و بازار کاشان در این دوره است. گواه این امر ضرب سکه‌ای به نام کاشان در این دوره است. مبارزالدین در سال ۷۵۵ با یکی از خلفای عباسی مصر به نام المعتضد بیعت کرد و یکی از سکه‌های برجای‌مانده از روزگار او با این نوشته ضرب شده است: «ضرب المعتضد بالله، السلطان محمد بن مظفر - خلدالله ملکه - کاشان» ضرب این سکه در کاشان به‌جای اصفهان، نشان از نقش تعیین‌کننده کاشان در قلمرو آل مظفر دارد. کاشان در دوره آل مظفر یکی از مهم‌ترین مراکز تولید کاشی بود. (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۳۲)

کاشان قرن نهم و دهم هجری

منابع تاریخی جز ذکر چند حاکم کاشان در دوره تیموری، اطلاعات زیادی نمی‌دهد. تنها در روضه الصفا اشاره می‌شود در سال ۸۴۳ ه. ق سفیری از سمت سلطان مصر به دربار شاهرخ تیموری آمده و درخواست بازدید از شهرهای اصفهان، شیراز، یزد و کاشان را دارد تا گزارشی از آن تهیه کند. شاهرخ نیز استقبال کرده و دستور می‌دهد این شهرها آذین‌بندی شده و هر شهر ۵۰ هزار دینار به سفیر مصر هدیه دهند. متأسفانه گزارش این دیدار موجود نیست و تنها می‌توان اهمیت کاشان در میان چهار شهر معروف و بزرگ دوره

تیموریان را فهمید (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۳۲). پس از مرگ شاهرخ، کاشان به دست جهانشاه قراقویونلو افتاده که آثار مهمی از آن دوره، همچون مسجد عمادی در کاشان وجود دارد. برای مشاهده موقعیت کاشان دوره صفویه بر روی خیابان‌کنشی امروز به تصویر شماره ۸ مراجعه شود)

تأثیر اندیشه‌های شیعی - صوفی بر معماری شهری

شهر ایرانی برای حکومت و اهداف اداری - نظامی حکومت شکل گرفته بود نه به‌عنوان مکانی که به‌صورت مستقل رشد و پیشرفت کند و به استقلال برسد. با نگاهی به تاریخ اکثر شهرهای بزرگ ایران، متوجه می‌شویم که آن‌ها روزگاری هرچند کوتاه، پایتخت یا مرکز اداری یکی از سلسله‌های حکومتی در ایران بوده‌اند؛ بسیاری از شهرهای مهم و معروف ایران، شهرهایی هستند که در دوره‌ای به پایتخت یا مرکز ایالت تبدیل شده و همه امکانات حکومتی در جهت رشد و آبادانی آن‌ها به کار گرفته شده است. اما این شهرها هنوز قوام لازم را نیافته بودند که اهمیت خود را به‌عنوان مرکز قدرت از دست‌داده و به دستور پادشاهی دیگر، پایتخت یا مرکزی جدید برای حکومت جدید می‌شد. رشد و شکوفایی بازار شهرها نیز به شدت وابسته به بزرگ و کوچک شدن گستره تیول یک حاکم و نقش اداری - نظامی‌ای که حکومت برای آن در نظر می‌گرفت بود. (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۵۱۸).

تفکر در چارچوب گفتمان شیعی - صوفی پی‌آمدی نداشت جز نگاه توأمان به ملک و دین، و این یعنی تلاش برای دستیابی به قدرت و حکومت از طریق قلع و قمع متمردان دین و مخالفان راه یقین. در نتیجه جنبش‌های سربداران، مرعشیان و مشعشیان به‌عنوان برجسته‌ترین قیامهای شیعی - صوفی قرن‌های هفتم تا دهم هجری شناخته می‌شوند که تأثیرات سیاسی و اجتماعی عظیمی داشتند.

مشخصه دینی و فرهنگی دوره ایلخانی، فقدان قرائت رسمی از دین است که به نوعی بستری برای چند صدایی و کثرت‌گرایی ناشی از مسامحه ایلخانان در امور مذهبی است. این دوره برای اندیشه و حکمت شیعی دوره تحول از عقل‌گرایی و ظاهر‌گرایی به جانب عرفان و سلوک باطنی است. دوره‌ای که حکیمان آن از دانش



محلّات شهر در کنار خانقاه‌های و مساجد، علاوه بر اثبات زیست مذهبی مردم کاشان در سده‌های پیشین، جایگاه انکارناپذیر مذهب را در زندگی امروز مردم کاشان و ریشه اعتقاد به تکایا، امامزادگان و مراسم مذهبی را نشان می‌دهد.

در کاشان قبل از صفویه چند بنای شاخص وجود دارد که در طول این سال‌ها همچنان اهمیت خود را حفظ کرده‌اند. این بناها که هر کدام به‌نوعی در پیوند با مذهب هستند، می‌توانند متأثر از نگاه فلسفی و عرفانی صوفیان آن زمانه باشند. از مجموعه عظیم مسجد عمادی و خانقاه و کاروانسرای آن، تنها مسجد و میدان آن باقی‌مانده است. از خانقاه بقعه تاج‌الدین و خانقاه منار زین‌الدین نیز اثری باقی نمانده است. در کاشان دیگر خانقاه‌های دوران ایلخانی و تیموری نیز از بین رفته‌اند. هرچند حفظ این بناها با موقوفات بسیاری تضمین شده بود، اما در دوره صفوی پس از ترویج تشیع و بی‌توجهی به خانقاه‌ها و بناهای مرتبط با صوفیه این ابنیه از بین می‌روند. اما نکته قابل‌توجه در این دوران ساخت خانقاه در کنار دو مسجد اصلی شهر، یعنی مسجد عمادی در بازار و مسجد جامع در میدان کهنه است. مشخص نیست این دو خانقاه برای کدام شیخ و عارف ساخته شده است. اما بر اساس گفته نراقی در تاریخ اجتماعی کاشان، مدفن عبدالرزاق کاشانی در خانقاه مسجد جامع است. این خانقاه که ساخته زین‌الدین ماستری، از وزرای غازان خان بوده است، می‌تواند نمونه‌ای از خانقاه عبدالصمد نطنزی در کنار مسجد جامع نطنز باشد. این دو خانقاه مهم، امروز از بین رفته‌اند و اطلاعاتی از آن در دست نبوده و نیازمند کاوش‌های باستانشناسی هستند.

در همین دوره سید حیدر آملی در توصیف اوضاع فکری زمانه خود به چهار چهره شاخص اشاره می‌کند که جملگی به حیرت فلسفی گرفتار شده و به‌جانب معرفت باطنی روی آورده‌اند و جالب این است که این افراد به‌جز صدرالدین اصفهانی، بقیه کاشانی هستند: عبدالرزاق کاشانی، بابا افضل کاشانی و نصیرالدین کاشانی. زندگی این چهار نفر، سرمشقی برای خود سید حیدر است که پس از غلبه بر تشویش‌های ذهنی، سرانجام سلوک صوفیانه را با اطمینان برگزیده است.

عقلی جز نومی‌دی حاصل نکرده‌اند و ناچار از بن بست فلسفه به کوچه عرفان قدم گذاشته‌اند. همین اندیشه‌ها در قرن‌های آینده سبب به وجود آمدن رویکردی فلسفی در اندیشه‌های شیعی-صوفی می‌شود که به مکتب اصفهان مشهور است و در دوران صفوی توسط میرداماد و شیخ بهایی به اوج خود می‌رسد (نوش آبدی، ۱۳۸۵: ۴۹). مکتبی که تأثیر بسیاری بر معماری و شهرسازی گذاشته و می‌توان سرآغاز آن را دوره‌های پیشین دانست.

تأثیر اندیشه‌های شیعی- صوفی بر معماری شهری کاشان

شرح حال فیلسوفان عصر ایلخانی در کاشان را سید حیدر آملی، نماینده برجسته این اندیشه از زبان استادش مولانا شیخ نصیرالدین کاشانی، بیان می‌کند: «آنچه در این هشتادساله عمر خود دانستم، این است که این عالم ساخته شده یک سازنده است، باین حال ایمان و یقین پیرزنان کوفه از یقین من بیشتر است.» (نعمه، ۱۳۶۷: ۵۱۴)

این بیان فیلسوفی است که شیخ آملی از وی به‌عنوان استاد فاضلان یاد کرده و بنا بر قول صاحب مجالس المؤمنین در دقت طبع و نیز فهمی بر حکما و فقهای عصر خود برتری دارد (نعمه، ۱۳۶۷: ۵۱۴). سخن نصیرالدین همان بیان عبدالرزاق کاشانی است که اعتراف می‌کند: «پس از تحصیل کامل علوم عقلی چندان وحشت و اضطراب و احتجاب از آن پیدا شد که قرار نماند» (جامی، ۱۳۸۴: ۴۸۷) و همان حیرتی است که افضل‌الدین کاشانی را به زاویه‌ای در روستایی دورافتاده کشاند و به تأملات عمیق عرفانی فروبرد. عرفانی بزرگ که همه در یک دوره زمانی در منطقه کاشان زیسته و به کمال رسیده‌اند. بزرگانی که مریدان و شاگردان بسیاری در همین منطقه گردآوردند و بناهایی درخور ایشان در منطقه ساخته شد.

ساختار شهری و معماری و هنرها در قرون هفت تا ده هجری تحت تأثیر هویت ایرانی با دو مذهب تصوف و تشیع نمود بیرونی پیدا می‌کرد و در مراکز چوین مساجد، خانقاه‌ها، تکایا و رباط و... نمایان می‌شد. گسترش این بناها در ساخت شهری از مشخصه‌های این دوره تاریخی و ظهور این نهضت بوده است. گسترش



در دوره‌ای که بزرگان صوفیه سلوک و زندگی درویشانه را برمی‌گزینند و از قدرت و ثروت دوری می‌کنند، ساخت چنین بناهایی برای صوفیان حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد حاکمان و افراد بانفوذ شهر از دوستداران این عارفان بوده‌اند و برای ترویج عرفان و سلوک آن‌ها تلاش داشتند. همجواری این بناها در کنار مساجد اصلی شهر و گسترش خانقاه‌ها در محلات و روستاها، نشان‌دهنده این واقعیت است که کاشان بیش از شهرهای دیگر شیعه‌نشین، همراهی با عرفای صوفیه داشته و برای آن‌ها امکان ترویج تصوف را فراهم کرده است. ساخت این بناها در شهر، می‌تواند تأثیر مستقیم اندیشه‌های شیعی - صوفی در کاشان را نشان دهد.

بناهای معماری متأثر از دیدگاه شیعی - صوفی در کاشان

برادران خواجه تاج‌الدین - خواجه عمادالدین محمود و خواجه زین‌الدین - از بلندپایگان نیکوکار در دوره موردبحث ما هستند که هر یک به‌نوبه خود یادگاری در کاشان برجای نهاده‌اند. در حقیقت در زمان این سه برادر چهره کاشان با بناهای مذهبی و آموزشی کاملاً دگرگون شده است. ظاهراً خواجه تاج‌الدین و برادرانش پس از برکناری از کارهای درباری به زیارت مکه رفته‌اند و در این سفر با شیخ منصور - یکی از علمای کاشان - آشنا شده و همراه او به کاشان آمده‌اند و چون آب‌وهوای کاشان را در حد اعتدال یافته‌اند، ماندگار شده‌اند (ضرابی، ۱۳۷۸: ۲۹۴). سه بنا از این سه برادر به یادگار مانده است: مسجد عمادی، بقعه خواجه تاج‌الدین و منار زین‌الدین.

مسجد عمادی

معمولاً بانی مسجد عمادی را خواجه عمادالدوله محمود برادر خواجه تاج‌الدین، از وزیران جهانشاه قراقویونلو می‌دانند و از طومار موقوف نیز چنین برمی‌آید: مسجد عمادی در تاریخ ۸۶۸ هجری در «خطه شریفه و مدینه طیبه کاشان» ساخته شده است و در سال ۸۷۷ با طوماری مفصل موقوفات و متعلقات آن از «ملک طلق جناب مشارالیه عمادالدوله» تعیین شده است؛ اما به دو دلیل غیرقابل‌انکار این برداشت نمی‌تواند درست باشد و باید که بنای نخستین مسجد را متعلق به اواخر دوره سلجوقی و دوره ایلخانان بدانیم. تنها این امکان دارد که

این مسجد با زلزله و یا به دست مغول‌ها چنان آسیبی دیده باشد که عمادالدین پس از بازسازی آن، در کنار میدانی که برای کاشان ساخته بود، خود را بانی آن معرفی کرده باشد. میدان زیبای عمادالدین، به خاطر کف سنگفرش خود، میدان سنگ نیز خوانده می‌شود (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۴۷). البته بر سر راه این برداشت نیز دو مانع بزرگ وجود دارد:

منبر مسجد حدود ۱۵۰ سال پیش از خواجه عمادالدین و از زمان سلطان ابوسعید بهادر خان (۷۱۶ - ۷۳۶ هجری) ساخته شده است. این منبر بسیار زیبا در فضای زیر گنبد قرار دارد و به‌طوری که از کتیبه‌ی سمت راست آن به خط ثلث طلایی برمی‌آید، از ساخته‌های زمان سلطان ابوسعید - پسر ایلخان اولجایتو - است. متن کتیبه چنین است: «فی ایام دوله السلطان الاعظم و الخاقان والافخم الاکرم غیاث الدنیا و الدین سلطان ابوسعید گورگان - خلدالله ملکه و سلطانه - یا المستغیثین أئغثنی، عمل حیدر» کاشی تراش این منبر، با ۴ متر ارتفاع و ۶ پله، روکاری از کاشی معرق خوش آب و رنگ دارد. فقط پیدا نیست که اگر مسجد عمادی پیش از بازسازی ویران شده بوده است، چرا این منبر بسیار سالم برجای مانده است.

به گزارش نراقی، محراب بزرگ کاشی مینایی مسجد عمادی، که تاریخ ثبت در آن، همزمان با آغاز حمله مغول است، از ممتازترین نفایس تاریخی صنعت کاشی سازی به شمار می‌رود، در اوایل قرن حاضر از محل اصلی خود در این مسجد ربوده شد که مستر پریس - کنسول انگلیس در اصفهان - آن را خریداری کرده بود، به اروپا حمل و در سال ۱۹۲۸ میلادی به موزه اسلامی برلین فروخته است (نراقی، ۱۳۴۵: ۳۰۴).

از کتیبه این محراب نفیس نیز می‌توان چنین برداشت که این مسجد از دوره ایلخانان است. این کتیبه را حسن عربشاهی در سال ۶۲۳ هجری در کاشان ساخته است؛ یعنی ۲۵۰ سال پیش از خواجه عمادالدین. در حال، با هر سابقه و داستانی که این بنای نامدار کاشان داشته باشد، امروز این مسجد، مسجد عمادی و گاهی به‌اشتباه مسجد میرعماد نامیده می‌شود.

مسجد عمادی، که پس از بازگشت سه برادر از زیارت مکه ساخته شده است، بارها از سوی بلندپایگانی که ارتباطی با کاشان داشته‌اند، مرمت و بازسازی شده است.





این مسجد، در جنوب میدان فیض (میدان سنگ) و در کنار بازار بزرگ کاشان، یکی از منابع جاویدان تاریخ کاشان است و آن را می‌توان با ۱۱ فرمان که دربرگیرنده دستورهای دیوانی، آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌هایی خطاب به مردم و درباره امور مدنی جامعه، از سده‌های نهم تا دوازدهم هجری (از دوره قراقویونلو تا دوره قاجار) است، کتاب سنگی گشوده‌ای نامید که در آن می‌توان به بخش‌هایی از تاریخ اجتماعی و هنجاری‌های مذهبی کاشان و کشور دست‌یافت (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

مسجد عمادی با سر در بسیار زیبایی خود یکی از شاهکارهای هنر معماری ایران است. کوشش برای حذف انحراف جهت سر در نسبت به جلوخان مسجد و میدانی که در کنار خود دارد، با هنرمندی بی‌نظیری انجام گرفته است. این سردر دارای گچ‌بری، قطار بندی، و یزده کاری است. کتیبه‌ی گچ‌بری سردر به خط رقاع برجسته بر زمینه‌ای لاجوردی است و از نظر ظرافت گچ‌بری یکی از زیباترین آثار این هنر است. درباره این میدان در زینت المجالس می‌خوانیم:

و مثل راسته بازار کاشان در تمام جهان نیست. طرف آن بازار تخمیناً دو هزار قدم باشد و در فرش میدان کاشان، که در میانه‌ی بازار واقع است، سنگ انداخته و بر چهار جانب آن عمارات عالیه ساخته‌اند. در یک ضلعش مدرسه و دارالشفایی ترتیب داده‌اند و در مقابل آن بر ضلع دیگر، خواجه عمادالدین شیروانی که بانی میدان و مدرسه مذکور است، مسجدی وسیع بنا نهاده و هم خواجه مشارالیه بر ضلع غربی آن کاروانسرای دیگر عمارت کرده و در اینجا ملامحمد مخترع عمارتی مختصر در جانب دارالشفای ساخته و صندوقی چوبین بر غرفه آن عمارت نصب نمود ساعتی از روز گذشتی، خروسی چوبین که بالای آن غرفه نو گردش آمدی. و در این زمان این صنعت خلل پذیرفته (محمد الحسینی، ۱۳۴۲: ۲۳۴).

محمدرضا نصیری نیز در بخش تعلیقات کتاب ایران در زمان شاه صفی و شاه‌عباس دوم، گزارشی در پیوند با این ساعت دارد که شرحی بر وضعیت مسجد نیز دارد:

«مجموعه آیینیه امیر عمادالدین شامل مسجد جامع جدید و الحاق آن مسجد قدیم، خانقاه، مهمان‌خانه، حوض‌خانه،

سقایه، عمارت وقت ساعت، آب‌انبار، رباط و میدان بزرگ که در چهار جهت آن دارالشفای کاروانسرا و حمام و دکاکین قرار داشته، لیکن در طول زمان از بین رفته و فقط بخشی از مسجد و گوشه‌ای از میدان باقی‌مانده است (واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۰: ۵۰۴).

در این توصیف از مسجد قدیم و مجموعه عظیمی سخن آمده که شامل خانقاه، مهمان‌خانه، سقایه، رباط و دارالشفای و میدان است که کاروانسرا و حمام و دکان‌هایی در اطراف دارد.

عمارت ساعت از موقوفات فخرالدین علی بن شمس بن محمد الکاشی است که در سال ۸۷۷ هجری ساخته شده است. در وقف نامه سوم، به تاریخ ذی القعدة الحرام سال ۸۷۷ آمده است که: «چون عالی‌جناب دولت مآب، وزارت ایاب سعادت انتساب، واقف مومی الیه از بنای مسجد مذکور و وقف کرده موقوفات مذکوره بر جانب یمین مسجد و درازای آن عمارت وقت و ساعت بنا نهاد که از مخترعات ذهن وقاد جناب فضائل پناه فخرالدین علی بن شمس محمد الکاشی است که عمارت مذکوره مساکن علما و فقرا و منازل اتقیا و مأوای اصفیاست و متضمن تفریح به خاطر همگان و تفرج ناظران است.»

سر در مسجد میدان در طول سده‌های گذشته بارها مرمت شده است که آخرین این تعمیرات در سال ۱۲۴۳ هجری و به دستور اسماعیل خان - حاکم وقت کاشان - بوده است. بر روی در چوبی و بسیار ظریف مسجد که فرسوده و خراب شده است، به خط برجسته چنین حکاکی شده است: «حسب الامر اعلی به تاریخ شهر محرم سنه ۱۱۲۳ به سعی کمترین، این میرزا محمد المتولی به اتمام رسیده.» بر بدنه جرز از دهلیز سمت راست کتیبه‌ای با کاشی معرق کار گذاشته شده است که در میان خود فضایی خالی دارد و چنین پیداست که برای نصب آیینیه در نظر گرفته شده است. در پیرامون این به اصطلاح قاب کاشی نوشته شده است:

لاله‌الله محمد رسول الله، علی ولی‌الله
ای نسخه نامه الهی که تویی
وی آینه جمال شاهی که توی
بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست

از خود بطلب هرآن چه خواهی که تویی
وقف قطب‌الدین بن شمس‌الدین فیروزآبادی، میبیدیزد،
سنه ۸۹۷

مشخص نیست بانی اولیه این مسجد چه کسی بوده است؛ اما وجود تاریخ‌های گوناگون بر کتیبه‌های مسجد نشان می‌دهد از این مجموعه از ابتدای ساخت یکی از مراکز مهم شهری بوده است. از محراب و منبر که متعلق به اوایل سده هفتم است تا وقف نامه عمادالدین و فرمان‌ها شاهان دوره‌های بعد بر سردر مسجد، این مجموعه تغییراتی داشته است و از میان مجموعه بناهای عظیم آن تنها خود مسجد و میدان آن باقی مانده است.

بقعه خواجه تاج‌الدین

بقعه خواجه تاج‌الدین از بناهایی است که به سبب ویرانی بنا و بازسازی نشدن آن به جای نام باعث، به نام بانی خود مشهور است. بقعه خواجه تاج‌الدین مدفن شاهزاده اسحاق و شاهزاده ابی‌طالب - دو فرزند شاهزاده حمزه بن موسی بن جعفر - است که پوشیده با کاشی معرق در درون صندوق چوبی مشبک قرار دارند. سازنده این بقعه خواجه تاج‌الدین شیروانی - از بلندپایگان و وزرای دربار جهانشاه قراقویونلو (۸۳۹-۸۷۲) - است. خود جهانشاه قراقویونلو در سال ۸۷۰ هجری بانی مسجد کبود تبریز به‌عنوان یکی از زیباترین مسجدهایی که تاکنون در ایران ساخته شده است، بود. ظاهراً ضربایی هنوز می‌توانسته است این بقعه را در سال ۱۲۷۸ هجری ببیند؛ خواجه تاج‌الدین در سر مقبره یکی از امام زادگان و چند تن از قاضیان شریعت پیغمبر، که در سلسله ابوذر غفاری بوده‌اند، دو گنبد رفیع و مناره و مسجدی منیع بنانهاده و از هستی خود به یادگار گذارد تاج‌الدین معروف است (ضرابی، ۱۳۷۸: ۲۹۵).

امروز از مدرسه و مسجد و منار آن نشانی نیست و تنها دو گنبد آجری کوتاه و قرینه بر جای است. در وسط سقف آجری گنبد غربی، که بر مدفن امامزادگان ساخته شده است ترنجی گرد قرار دارد با کاشی‌های معرق دوره مغول، که همانند کاشی‌های روی گور هستند. طرح هندسی نقش سقف، از نظر پیچیدگی و محاسبه طرح اندازی و دشواری اجرا در سطحی مقعر را باید یکی از شاهکارهای معماران و هنرمندان کاشانی به شمار آورد.

نراقی بی‌آنکه اشاره‌ای به منبع خود داشته باشد، می‌نویسد که گنبد دوم از آن یک خانقاه بوده است که از دوره صفوی به بعد به سبب بی‌توجهی به این‌گونه بناها از رونق افتاده و متروک شده است:

در اوایل قرن حاضر پس از درگذشت حاج ملأ محمدحسن نطنزی - از عرفا و اقطاب دراویش نعمت‌اللهی - چون جسد وی را در آنجا به خاک سپردند، بدین جهت در محوطه داخلی سقف این گنبد تعمیراتی به‌عمل آمده که تزیینات گوناگون آن، نمونه فنون معماری دوره خود است (نراقی، ۱۳۴۵: ۱۳۱).

تزیین سقف این گنبد نیز مانند گنبد غربی بوده است، اما در تعمیرات اخیر، در پیرامون سقف سه ردیف گچ‌بری و آینه‌کاری جای گرفته است. البته این امکان وجود دارد که جایی که گچ‌بری در آن قرار گرفته است، آسیب‌دیده و مرمت آن دشوار و یا غیرممکن بوده است. این بقعه به همراه خانقاه و مدرسه‌ای که اکنون از بین رفته نیز مجموعه‌ای تشکیل می‌داده که در دوران مغول گسترش یافته است. از تاریخچه این بنا اطلاعات مفصلی در دست نیست. در سندی که از سال ۱۳۰۴ ه.ق به‌دست آمده، استفتایی از حاکم کاشان شده تا برای این مجموعه متولی تعیین شود. در این استفتا از مکان مخروبه مدرسه و دو بقعه و خانقاه سخن گفته شده که موقوفات آن توسط مردم ضبط شده است. در این استفتا ملأ محمدحسین نطنزی کاشانی، حاکم کاشان متولی تعیین و دستور حفاظت و نگهداری این بنا داده می‌شود (عاطفی، ۱۳۸۸: ۳۹).

منار زین‌الدین

این منار به همراه ساختمان خانقاه توسط زین‌الدین از برادران خواجه عمادالدین محمود (بنیان‌گذار مسجد عمادی و ابنیه میدان سنگ) در نیمه سده نهم هجری ساخته شد. نمای منار آجری بوده و در زمان ساخت ۴۷ متر ارتفاع داشته است. بر اثر زلزله سال ۱۱۹۳ ه.ق اندکی از محور اصلی خود انحراف پیدا کرد.

این مناره در حال حاضر با نیمی از ارتفاع اولیه در خیابان ملأ حبیب‌الله شریف (دروازه اصفهان) دیده می‌شود. در حوالی سال ۱۳۰۵ ه.ق به دستور شهردار وقت کاشان و با پرداخت مبلغی معادل یک هزار تویمان به معمار خبره‌ای به نام حاج حسینعلی، حدود ۲۴ متر از



و در هر مقیاس سعی در اشاره به اصل وحدت‌بخش جهان می‌کند.

در مکتب اصفهان کل در یک نگاه قابل‌درک می‌شود و مفهومی مجزا از اجزای خویش می‌یابد. مفهومی که نشان می‌دهد کل مجموعه‌ای از اجزای متشکل خود نیست. جز نیز در مقیاس خویش کامل است و وحدت را نشانگر است. در عین آنکه در ترکیب با اجزای متشابه مجموعه بزرگ‌تر و واحدی را سبب می‌شود. مکتب اصفهان در شهرسازی بر این جمله تکیه دارد که «عالم همه منظر اوست» و بر این اساس از ایجاد نقطه‌گریز دید و توجه تام و تمام به یک نقطه حذر می‌کند و مفهومی است که از ذره تا کلان فضای این مکتب دیده می‌شود. در نتیجه بی‌آنکه در پی ساخت و برپایی بناهای یادمانی باشد خود به یادمان تبدیل می‌شود.

نتیجه‌گیری

کاشان قرن‌ها گرایش‌های عرفانی و صوفیانه را تجربه کرده است. این ویژگی باعث شد تا کاشان در دوره ایلخانی و تیموری یکی از مهمترین مراکز عرفانی ایران باشد و عارفان تأثیرگذاری در این منطقه بروز ظهور یافته و زمینه تحولات عرفانی مکتب اصفهان را فراهم آوردند. از فضاهای شهری ساخته‌شده در کاشان قرون هفت تا ده، بناهای محدودی باقی‌مانده‌اند و اکثریت آن‌ها در طی قرون تغییر کرده‌اند. اما ساختار شهری کاشان از جمله بازار و میدان و مسجد جامع و معدود بناهای باقی‌مانده، یک اصل را نشان می‌دهد که کاشان را می‌توان شالوده شکل‌گیری مکتب اصفهان دانست که در قرون بعد توسط شیخ بهایی در اصفهان کامل می‌شود. قرارگیری مساجد و خانقاه‌ها و مدارس در کنار هم در مجموعه‌های متعددی از جمله مسجد جامع، مسجد عمادی، بقعه تاج‌الدین در نزدیکی و تعامل با بازار و میدان اصلی شهر، میدان کهنه و بعدها میدان سنگ، پیرو فلسفه «وحدت وجود» این عربی است که در کلام عبدالرزاق کاشانی دیده می‌شود. این فلسفه بیان می‌کند ذات هستی یکی و متعلق به خداست و هرچه در آن است مصداق و تجلی وجود خداست. این اندیشه در مکتب شهرسازی اصفهان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اندیشه‌ها مطرح است.

ارتفاع این مناره به علت کج بودن و احتمال خسارت، تخریب شد. از تاریخچه این مناره اطلاعات بیشتری در دست نیست و مشخص نیست خانقاه آن تا چه سالی برپا بوده است.

خانقاه ابن حنیفه کاشانی

این خانقاه را سیدالوزراء، ابوالقاسم علی بن محمد بن حنیفه کاشانی، که تاریخ یمینی در سال ۶۰۲ ه.ق به نام او ترجمه‌شده است، بنا کرد. این خانقاه دارای مجموعه وسیعی شامل کتابخانه، دارالشفاء و پزشک و داروخانه هم بوده است (نراقی، ۱۳۴۵: ۹۱).

خانقاه سید رکن‌الدین یزدی

سید رکن‌الدین محمد یزدی وزیر سلطان ابوسعید ایلخانی خانقاه و رباطی در بازار مسگرهای کاشان بنا کرد. هم‌اکنون در محل سابق این خانقاه، کوچه‌ای به نام رباط قرار دارد (نراقی، ۱۳۴۵: ۹۲).

خانقاه شمس‌الدین محمد

شمس‌الدین محمد، پسر خواجه رشیدالدین در کاشان خانقاهی بنا کرد که در کنار آن مدرسه و مؤسسات خیریه قرار داشت (ستوده، ۱۳۴۶: ۲۷۳).

خانقاه زین‌الدین ماستری

زین‌الدین ماستری، نایب و خلیفه سعدالدین ساوجی، که بانی خانقاه و مقبره عبدالصمد نطنزی در نطنز هم بود، در کنار مسجد جامع خانقاهی بنا کرد. در مجمل فصیحی محل دفن عبدالرزاق کاشانی را در این خانقاه در داخل شهر و نزدیک مسجد جامع ذکر کرده است (زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۱۳۱).

خانقاه عمادی

در کنار مجموعه مسجد عمادی در بازار کاشان که ذکر آن بالاتر رفت.

اندیشه‌های شیعی - صوفی و شهرسازی مکتب اصفهان

در مکتب اصفهان شهر در محیط پیرامونی مستحیل می‌شود و از این‌رو در توافق کامل با طبیعت پیرامونی خویش و همچنین در توافق همزیستی و وحدت چند سویه با روستاهای اطراف است. جهان‌بینی متکی بر مفاهیم عرفانی، سلسله‌مراتب فضایی از بزرگ‌ترین مقیاس تا کوچک‌ترین مقیاس کالبدی را به کار می‌گیرد





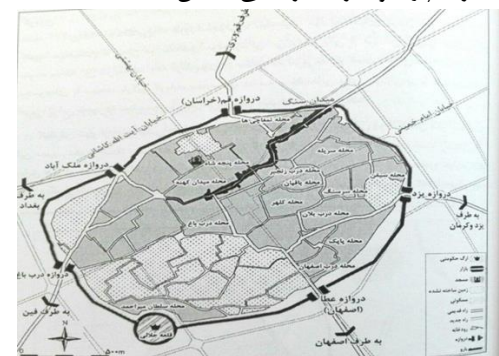
تصویر ۲، نقشه کاشان دوران آل بویه (آرشیو میراث فرهنگی کاشان)



تصویر ۳ نقشه کاشان در اواخر آل بویه بر روی خیابان کشی امروز، (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۲۳۷)



تصویر ۴ توسعه و شکل‌گیری کاشان تا پایان قرن چهارم هجری (آرشیو میراث فرهنگی کاشان)



تصویر ۵، موقعیت کاشان دوره سلجوقیان روی خیابان کشی امروز (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۲۸۵)

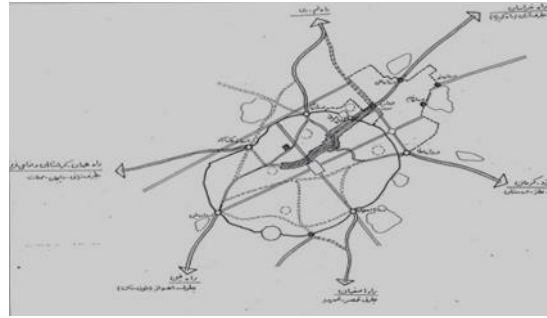
نمی‌توان به‌صورت قطعی گفت معماری شهری کاشان را بر اساس نگاه صوفیانی چون عبدالرزاق کاشانی و نصیرالدین کاشانی ساخته‌اند و نقش آن‌ها در طراحی شهری همانند نقش شیخ بهایی در دربار شاه صفوی بوده است؛ اما تأثیر دیدگاه و تعالیم این صوفیان در حاکمان به‌عنوان سازندگان بناهای مهم شهر بی‌تأثیر نبوده است. همان‌گونه که زین‌الدین ماستری در نظری بانی ساخت خانقاه و بقعه شیخ خود عبدالصمد نطنزی بود، در کاشان هم خانقاهی به نام خود بنا کرد. خانقاه‌های دیگری نیز توسط درباریان ایلخانی، از جمله سید رکن‌الدین و سید شمس‌الدین، در کاشان ساخته شد که همه تحت تأثیر اندیشه‌های عارفان بوده و بنا را برای شیخ و مراد خود ساخته‌اند. در نتیجه اندیشه‌های شیعی - صوفی که از عرفای کاشانی چون عبدالرزاق کاشانی تأثیر پذیرفته بود، باعث شد تا کاشان بدون اینکه مرکز حکومت و پایتخت باشد، توجه وزرا و درباریان را جلب کرده و برای ساخت بناهای آن همت گمارند. این تأثیرگذاری پنهان عرفای کاشانی بعدها هم باعث شد تا شریف‌ترین افراد دربار به‌عنوان حاکم کاشان انتخاب شوند و حتی پس از زلزله مخرب دوران زندیه، کریم‌خان زند برای بازسازی کاشان دستور صادر کند. پس‌ازاین تأثیرگذاری و توجه حاکمان در اعصار گذشته به کاشان، شایسته نیست این آثار ارزشمند تاریخی در گوشه شهر رهاشده و در اثر بی‌توجهی به شکلی ناهمگون بازسازی شوند.



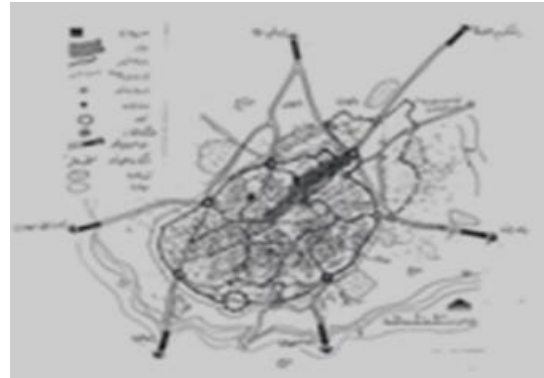
تصویر ۶ شروع حرکت اولین هسته برای توسعه (آرشیو میراث فرهنگی کاشان)



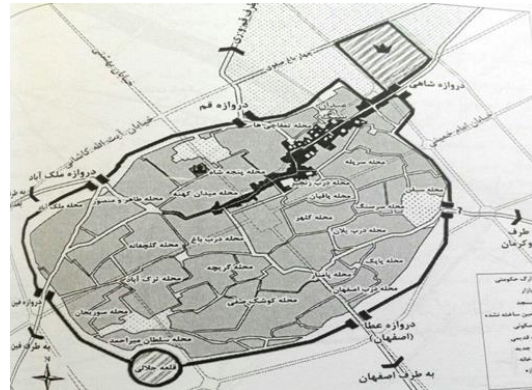
- افشار، ایرج، (۱۳۶۸)، وقف نامه سه دیه در کاشان، فرهنگ ایران زمین، تهران، مجلد ۳ و ۴، ص ۱۲۳.
- اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۳)، تاریخ ایران پس از اسلام، تهران.
- بیرشک، ثریا، (۱۳۷۶)، چگونگی روند توسعه و تکامل شکل‌گیری شهر کاشان در بستر تاریخ، مجموعه مقالات کنگره معماری و شهرسازی، جلد سوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۰)، تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: آرمانشهر.
- جامی، عبدالرحمان. (۱۳۷۵)، نفحات الانس من حضرات القدس، تصحیح محمود عابدی، چاپ سوم، تهران: اطلاعات.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن. (۱۳۴۳)، تاریخ یزد، ترجمه ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- حافظ ابرو. (۱۳۵۰)، ذیل جامع التواریخ رشیدی، به کوشش خانابای بیانی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- حضرتی، حسن، ناصح ستوده، منیره، (۱۳۸۹)، تبیین نظری نهضت‌های شیعی - صوفی در ایران قرن‌های هفتم تا دهم ه.ق، مطالعات تاریخ اسلام، سال دوم، شماره ۶، ص ۵۱-۷۳.
- حموی بغدادی، یاقوت. (۱۳۸۰)، معجم البلدان، ترجمه علی نقی مغزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- دینوری، ابوحنیفه. (۱۳۴۶)، اخبار الطوال، ترجمه صادق نشأت، تهران.
- رجیبی، پرویز. (۱۳۹۰)، کاشان نگین انگشتی تاریخ ایران، تهران: پژوهاک کیهان.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۲)، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر.
- ساروخانی، زهرا، (۱۳۹۱)، کاشان قدیم به روایت تصویر، کاشان: سوره تماشا.
- شبیبی، کامل مصطفی. (۱۳۵۸)، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر.



تصویر ۶ شهر کاشان دروان سلجوقیان قرون پنجم و ششم هجری (آرشیو میراث فرهنگی کاشان)



تصویر ۷ نقشه توسعه کاشان قرن ۷ تا ۱۲ هجری (آرشیو میراث فرهنگی کاشان)



تصویر ۸ موقعیت کاشان دوره صفویه بر روی خیابان‌کشی امروز (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۴۱۸)

منابع:

- اشپولر، برتولد. (۱۳۵۱)، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران.
- اصطخری. (۱۳۴۰)، مسالک الممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.



- شیرازی، محمد معصوم. (۱۳۸۲)، طرائق الحقایق، به تصحیح محمد جعفر محجوب، تهران: سنایی.
- صابری، حسین. (۱۳۸۳)، تاریخ فرق، تهران: سمت.
- منهج سراج جوزجانی. (۱۳۶۳)، طبقات ناصری یا تاریخ ایران و اسلام، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- موسوی موحد، محمد باقر. (بی‌تا)، روضات الجنات فی احوال العلما و السادات، مصحح محمد علی روضاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نراقی، حسن. (۱۳۶۵)، تاریخ اجتماعی کاشان، تهران: علمی و فرهنگی.
- نعمه، عبدالله. (۱۳۶۷)، فلاسفه شیعه، ترجمه سید جعفر غضبان، تهران: علمی فرهنگی.
- هدایت، رضاقلی خان. (بی‌تا)، تذکره ریاض العارفین، مصحح محمد علی گرگانی، کتابفروشی محمودی.
- یوسفی اشکوری، حسن. (۱۳۶۷)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلام، ج ۶ مدخل ابولولو.

